

[تلقی مرحوم خوئی از شرط پنج قصاص 1](#_Toc535100939)

[اشکال استاد به محقق خوئی 1](#_Toc535100940)

[شرط دیگر قصاص: قتل توسط امر مجازی اتفاق نیفتاده باشد 2](#_Toc535100941)

**موضوع**: شرط پنجم:مقتول محقون الدم نباشد /شروط قصاص /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرط پنجم قصاص که در کلمات محقق خوئی به تبع مرحوم محقق در شرائع آمده است، بود که عبارت است از اینکه «مقتول، محقون الدم باشد» محقق به تبع این شرط اموری را متفرع کرد که عبارت بود از اینکه اگر مسلمانی مرتدی را بکشد قصاص نمی شود و دیگر اینکه اگر کسی را که قتل او مباح است مثل کسی که زنای محصن انجام داده است را بکشد قصاص نمی شود و دیگر کسی که محکوم به حد مادون قصاص به موت شده است را اگر کسی حد بزند و شخص بمیرد، قصاص ثابت نیست.

# تلقی مرحوم خوئی از شرط پنج قصاص

مرحوم خوئی[[1]](#footnote-1) از این شرطی که در کلام محقق[[2]](#footnote-2) آمده است اینطور تلقی کرده است که شرط پنجم قصاص این است که «كون القتل سائغاً للقاتل» یعنی معنای این شرط پنجم این است که اگر شخصی که مهدور است توسط کسی که یجوز له القتل، کشته شود، قصاص ندارد.

## اشکال استاد به محقق خوئی

به نظر ما این تلقی مرحوم خوئی از شرط پنجم صحیح نمی باشد و منظور کسانی هم که این شرط «مقتول، محقون الدم باشد» را ذکر کرده اند، این فرمایش مرحوم خوئی نیست. لذا محقق بر این شرط متفرع نکرد که قتل محارب یا قتل در مقام دفاع از نفس قصاص ندارد. تلقی ایشان از این شرط این است که «من یجوز له أن یقتل، إذا قتل لا یقتل» اصلا توهم این هم نمی‌رود که حاکم که باید فرد را بکشد، اگر او را بکشد قصاص شود که در قالب شرط خامس بخواهند این نوع قصاص را خارج کنند. این ‌جا از جاهایی است که کلام مرحوم خوئی غفلت واضح است. مطلب را مرحوم خوئی درست فرموده است که حاکم اگر زانی را بکشد، قصاص نمی‌شود، در مقام دفاع از نفس، شخصی اگر مهاجم را بکشد، قصاص نمی‌شود ولی این‌ها ربطی به این شرط ندارد. شرط خامس که در کلام قوم آمده است در جایی است که فرد جایز نبود که این فرد را بکشد، و اگر بکشد گناه‌ کار هم هست ولی قصاص نمی‌شود چون مهدور است. شرط پنجم این است که فعل توسط قاتل تکلیفا مجاز نیست ولیکن اگر این قتل را انجام داد هر چند آثم هست ولی قصاص نمی شود و دیه هم بر او ثابت نمی شود. این مطلب را صاحب جواهر[[3]](#footnote-3) در ضمن اشتراط اسلام تأکید داشت.

# شرط دیگر قصاص: قتل توسط امر مجازی اتفاق نیفتاده باشد

گفتیم که این شرط پنجم به اموری بر می گردد و در حقیقت چند شرط است. امر اول این بود که از شرائط قصاص این بود که قتل جایز نباشد ولی اگر جایز بود قصاص ثابت نمی شود، مثل اینکه کسی مرتد فطری را بکشد. شرط دیگر این بود که قتل در نظر قاتل جایز نباشد، پس اگر قتل در نظر قاتل جایز بود قصاص ثابت نیست مثلا اگر یقین داشت کسی کافر حربی است و او را کشت و بعد معلوم شد مسلمان بوده قصاص ثابت نیست. امر سوم این است که از شرائط قصاص این است که «قتل توسط امر مجازی اتفاق نیفتاده باشد». طبق این شرط اگر کسی را حد ما دون القتل بزند و موجب سرایت و در آخر مرگ او شود در اینجا قصاص ثابت نیست. البته اگر مجری حد، علم دارد که حد موجب سرایت است اجازه‌ی اجرای حد را ندارد. دلیل این حکم هم روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. در روایت داریم «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَهُ الْقِصَاصُ لَهُ دِيَةٌ فَقَالَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يُقْتَصَّ مِنْ أَحَدٍ وَ قَالَ مَنْ قَتَلَهُ الْحَدُّ فَلَا دِيَةَ لَهُ»[[4]](#footnote-4) مفاد این روایت این است که اگر کسی بر شخص دیگری اجرای حد کرد و این اجرای حد منجر به سرایت و در آخر مرگ شد این قتل نه دیه دارد و نه قصاص. این ظهور روایت غیر از آن مطلبی است که محقق خوئی فرمود که اگر کسی دیگری را قصاص کرد قصاص نمی شود. این کلام که گفتن ندارد. یعنی بگوئیم اگر کسی اجرای حد قصاص بر دیگری کرد خودش قصاص نمی شود. یعنی خود قصاص کردن بخواهد موجب قصاص باشد. این مطلب که واضح است و نیاز به بیان ندارد و توهم هم نمی شود. بلکه روایت می گوید اگر کسی حد خورد و حد منجر به سرایت و بعد هم مرگ شد حد زننده قصاص نمی شود و دیگر روایات هم همین مطلب را می گویند. مثلا در روایت دیگر آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ مَنْ قَتَلَهُ الْقِصَاصُ فَلَا دِيَةَ لَهُ»[[5]](#footnote-5) یعنی کسی که قصاصی ( مادون قتل) بر روی او صورت گرفت و بعد قصاص منجر به مرگ شد دیه ندارد. و للکلام تتمة یأتی ان شاءالله.

1. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص83.](http://lib.eshia.ir/21001/2/83/الرابع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلّی)، ج4، ص201.](http://lib.eshia.ir/71613/4/201/الخامس) [↑](#footnote-ref-2)
3. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص167.](http://lib.eshia.ir/10088/42/167/فالمدار) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص63، أبواب ان من قتل قصاصا فلا دية له ولا قصاص ، وكذا من، باب24، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/63/الكناني) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص64، أبواب مَنْ قَتَلَهُ الْقِصَاصُ فَلَا دِيَةَ لَهُ ، باب24، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/64/العلاء) [↑](#footnote-ref-5)